

فصل‌نامه بین‌المللی علمی - تخصصی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)

سال هفتم، شماره هفدهم، بهار ۱۴۰۳ (۱۴۲-۱۷۰)

مقاله پژوهشی

Doi: [10.22034/JMZF.2024.464564.1198](https://doi.org/10.22034/JMZF.2024.464564.1198)

سبک‌شناسی سوره فرقان

نعمت منصوری^۱، زهرا فتحیان جگرلوبی^۲، شاهین قارلقی^۳

چکیده

سبک‌شناسی متون، از جمله روش‌هایی است که ما را به معنا و مفهوم‌سازی‌های متکلم و جنبه‌های زیبایی‌م‌تون راهنمایی می‌کند. امروزه سبک‌شناسی به عنوان یکی از علومی که با دانش زبان‌شناسی و بلاغت ارتباط تنگاتنگی دارد، جایگاه ویژه‌ای را در میان پژوهش‌های ادبی به خود اختصاص داده است. از جمله اثری که از لحاظ سبک‌شناسی قابل تأمل است، قرآن کریم می‌باشد. روشن است برای درک قرآن کریم و فهم بیشتر آن باید با ویژگی‌های مختلف آن از جمله اسلوب‌های ادبی و زبانی کاربردی‌اش آشنا شد و قطعاً دانش سبک‌شناسی برای رسیدن به این مقصود می‌تواند نقش چشمگیری داشته باشد. در این جستار با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی سوره فرقان در سطوح واژگانی، بلاغی و نحوی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد: در سطح زبانی سوره فرقان، به نکات صرفی و نحوی توجه شده است. در سطح ادبی، استفاده از عناصر بلاغی چون استعاره، تشبیه، تکرار، التفات، استفهام و غیره، در زمینه موسیقایی و زیبایی‌شناختی تأثیرگذار بوده است و همه این موارد بر وجوه اعجاز بیانی سوره فرقان افزوده است. همچنین وجود بعضی از صناعات ادبی علاوه بر اینکه موجب شیوایی و تأثیرگذاری سوره شده‌اند، همگی در راستای هدف آیات است. **واژه‌های کلیدی:** سبک‌شناسی، قرآن کریم، سوره فرقان.

^۱ - دکترای تخصصی زبان و ادبیات فارسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران (نویسنده مسئول).

nematmansoori129@gmail.com

^۲ - کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور، مهاباد، ایران.

Zfthyan104@gmail.com

^۳ - کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی از دانشکده علوم قرآن کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

qarlqyshahyn@gmail.com

۱- مقدمه

امروزه بسیاری از مطالعات و تحقیقات حوزه زبان‌شناسی، به سبک‌شناسی اختصاص یافته است. سبک‌شناسی یکی از روش‌هایی است که برای بررسی و تحلیل متون از آن استفاده می‌شود. اندیشمندان و صاحب‌نظران دانش سبک‌شناسی، برای این علم و واژه «سبک» تعاریف مختلفی ارائه داده‌اند؛ هر چند که یک تعریف واحد و کامل از سبک وجود ندارد؛ اما از همه تعاریفی که برای این واژه صورت گرفته یک معنا را می‌توان دریافت؛ سبک روشی است که انسان برای بیان چیزی به کار می‌برد. در لسان‌العرب چنین آمده است: به صف درختان خرما اسلوب گفته می‌شود. هر راه ممتد اسلوب است. گفته می‌شود «انتم فی أسلوب سوء» یعنی شما راه و مذهب بدی دارید، جمع آن اسالیب است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱/ ۳۱۹).

بهار در کتاب سبک‌شناسی خود، سبک را این‌گونه تعریف کرده است: «سبک در اصطلاح ادبیات، عبارت است از روش ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر. سبک یک اثر ادبی، وجه خاص خود را از لحاظ صورت و معنی القا می‌کند و آن نیز وابسته به طرز تفکر گوینده یا نویسنده، درباره حقیقت می‌باشد» (بهار، ۱۳۴۹: ۱۰).

بنابراین سبک‌شناسی به‌عنوان یکی از شاخه‌های نقد ادبی به بررسی و تحلیل داده‌های زبان‌شناختی عمومی و همچنین دانش بلاغت می‌پردازد. متن فنی سوره‌های قرآن، آن‌ها را در میان متون گوناگون ادبی به شاخص‌ترین گزینه برای بررسی در حوزه سبک‌شناختی تبدیل کرده است. سبک قرآن ویژه و منحصر به فرد است و این مهم رمز ماندگاری و شکوه آن است و همچنین در سوره‌های این کتاب آسمانی، کلمات، عبارات و آیات آن در نگاه اول ساده به نظر می‌رسند، اما در واقع دارای

پیچیدگی‌های خاص خود می‌باشند. همین مسئله ضرورت سبک‌شناسی قرآن کریم برای درک مفاهیم و رموز آن را نشان می‌دهد.

۱-۱- بیان مسأله و سؤالات تحقیق

هرگونه نوشته و اثری در پی اهدافی خاص به رشتهٔ تحریر در می‌آید که با فرهنگ و ادب آن زمان، همخوانی دارد و در ارتباط با موقعیت و بافت اجتماعی زمانه نیز زاده می‌شود. یکی از متونی که طی بیست و سه سال و در ارتباط با مردم و اجتماع آن دوران نازل شده است، قرآن کریم است.

قرآن کریم به‌عنوان مخزن معارف و گنجینه‌های علوم همواره مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است و هر کدام از دانشمندان به روش‌های مختلف، دربارهٔ این کتاب شگفت‌انگیز به پژوهش پرداخته‌اند. از نظر مضمونی، بالاترین مضامین و از نظر بلاغی، زیباترین فنون بلاغی را در خود جای داده است. یکی از جلوه‌های زیبا و باشکوهی که در سرتاسر این کتاب آسمانی نمودی آشکار و چشمگیر دارد، تصاویر زنده و بدیعی است که به وسیلهٔ الفاظ و تعابیری چند خلق شده‌اند. قرآن کریم شامل الفاظی معمولی و بی‌روح نیست بلکه به معانی و مضامین، روح و حیات بخشیده، رمز جاودانگی قرآن نیز همین است. سبک شکوهمند و زیبایی قرآن، آن را به متنی تبدیل ساخته که از ارتباط شگرف برخوردار است به‌طوری که تغییری اندک در بافت و ساخت این کلام معجز، تغییر در نظام معنایی و سطوح مختلف آن در پی خواهد داشت. با این وجود اگر به قرآن کریم به‌عنوان یک متن نگریسته شود می‌توان آیات آن را در ترازی سبک‌شناسی سنجید و زیبایی‌های آن را برای خواننده آشکار ساخت و از این طریق شیوه‌های متنوعی را که خدای متعال به منظور اثرگذاری برای مخاطبان به کار گرفته است، شناخته و به فوق بشری بودن آن صحنه گذاشت. این پژوهش برپایهٔ دانش سبک‌شناسی می‌کوشد تا به تحلیل سبک‌شناسی سورهٔ فرقان بپردازد و به این سؤالات

پاسخ دهد که سبک‌شناسی سوره فرقان چگونه است؟ و ویژگی‌های ادبی سوره فرقان از دیدگاه سبک‌شناسی بر چه ساختاری استوار است؟

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

مقاله حاضر رویکرد جدیدی در تحلیل متون بوده و به شناسایی زیبایی‌های قرآن و روش فهم آن کمک می‌کند. علت انتخاب این سوره، وجه ادبی برجسته‌ای است که در سوره وجود دارد و نتایج حاصله، در تکمیل مبانی نظری تفسیر، از جمله تفسیر ساختاری سوره، می‌تواند مفید واقع گردد.

۱-۳. پیشینه تحقیق

در جستجوهای که نگارنده برای دسترسی به این تاریخچه پژوهشی داشت، آنچه مستقیماً به موضوع تحقیق اشاره داشته باشد یافت نشد، لیکن بیشتر نتایجی که از این کندوکاو به دست آمد آن دسته از مقالات و پایان‌نامه‌هایی را شامل می‌شود که به‌طور غیرمستقیم در ارتباط با موضوع پژوهش می‌باشد. لذا تلاش شد تا آن دسته از مقالات و پایان‌نامه‌ها که بیشترین ارتباط با این پژوهش را دارد، معرفی گردند.

-قدیسه، اکبری (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر لایه بلاغی سوره فرقان در سلامت روح و روان» بر این عقیده است که در تحلیل لایه بلاغی عنصر استعار و تشبیه در آیات، با بسامد بالایی نسبت به موارد دیگر، کاربرد دارد.

-شاطر کاظمی، نرگس (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «ساختار معنایی سوره «فرقان» با محوریت تقابل ایمان و کفر» بیان داشته است که علت اساسی شبهه‌افکنی دشمنان و معاندان، عدم اعتقاد آنان به روز قیامت در مقابل ویژگی اعتقادی، رفتاری بندگان خالص خدا می‌باشد.

-محمدپور گرجی، علیرضا (۱۳۹۴) در پایان‌نامه‌ای به «بازشناسی تناسب آیات و غرض واحد در سوره مبارک فرقان» پرداخته است. یافته‌های حاصل از این پژوهش بیانگر این است که در آیات، دسته‌ها و سیاق‌های یک سوره، نسبت‌ها و روابط متعددی وجود دارد که این مهم نیز در سوره فرقان حاکم است.

-قاسمی، مسعود (۱۳۹۵) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «گونه‌شناسی و بررسی سندی و آموزه‌های هدایتی روایات تفسیری سوره فرقان» ضمن تشریح مبحث روایت و تفسیر به این موضوع اشاره دارد که بیشترین فراوانی روایات، گونه‌های ایضاح مفهومی، سپس بیان لایه‌های معنایی و بعد تعیین مصداق و ایضاح لفظی هر کدام به تعداد مساوی بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند.

-اخوان مقدم، زهره (۱۳۹۹) در مقاله‌ای به «نگاهی نو به معنای مهوریت قرآن در آیه ۳۰ سوره فرقان، براساس واژه‌های همنشین و سیاق» پرداخته است و آرای لغویان و مفسران را درباره معنای واژه «مهوراً» در آیه مورد بحث قرار داده است.

- راستگو، مرضیه (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی «سبک‌شناسی لایه‌ای سوره مبارکه فرقان» پرداخته است و بر این عقیده است که بررسی لایه‌های مختلف قرآنی، تعمق بخشیدن به تفسیر است و درک و فهم آن‌ها، موجب برجسته‌تر و فاخرتر شدن آثار تفسیری می‌شود.

با توجه به پیشینه، در یکی از مقالات ذکر شده به بررسی سوره فرقان در حیطة بلاغی از جمله (تشبیه، استعاره و کنایه) اشاره شده است؛ اما در پژوهش حاضر در سطوح مختلف واژگانی، بلاغی و نحوی این سوره را مورد تحلیل سبک‌شناختی قرار داده‌ایم. با این اوصاف باید گفت تاکنون در این زمینه، پژوهشی مستقل و کلی انجام نگرفته است و از این لحاظ این پژوهش دارای جنبه تازگی است.

۲. بحث و یافته‌های تحقیق

۲-۱. سوره فرقان

سوره «فرقان» در مکه نازل شده است. ۷۷ آیه دارد و بیست و پنجمین سوره قرآن کریم است که در جزو ۱۹ قرار دارد. «این سوره مکی، گویی که سراسر مایه انس و الفت، روحیه‌بخشی و تقویت پیامبر خدا می‌باشد؛ چرا که با رسول خدا با مشرکان قریش و دشمنی، گستاخی، لجاجت و البته پیکارشان در مقابل هدایت مواجه می‌شود» (قطب، ۲۰۰۸: ۲۵۴۴).

«محور سوره، اثبات صدق و درستی رسالت حضرت محمد (ص) و ایمان به زنده شدن و روز جزا می‌باشد و به منظور پند و اندرز، قصه‌هایی را نیز در ضمن دارد. سوره، با بحث پیرامون قرآن شروع شده است. مشرکان برای ضربه زدن و تکذیب آیات آن از به کار بردن هیچ توطئه و فنی دریغ نورزیداند؛ مثلاً زمانی می‌گفتند: قرآن افسانه‌های روزگاران گذشته است. گاهی می‌گفتند: ساخته دست محمد است و برخی از اهل کتاب به او یاری رسانده‌اند؛ و گاهی نیز می‌گفتند قرآن سحری است آشکار؛ اما خدای متعال تصورات دروغین آن‌ها را مردود دانست و این اوهام باطل و ناروای آن‌ها را رد کرده و دلیل و براهینی اقامه کرده است که از جانب پروردگار جهانیان نازل شده است.

سپس پیرامون موضوع رسالت، بحث را ادامه داده است که مدت‌های مدیدی مشرکان معاند در بحث پیرامون آن فرو رفته بودند و پیشنهاد می‌کردند که پیامبر اکرم (ص) باید فرشته باشد نه انسان. آن‌ها می‌گفتند: به فرض اینکه پیامبر انسان هم باشد، رسالت مخصوص اهل جاه و منزلت و ثروت است. در نتیجه پیامبر باید انسانی ثروتمند و بزرگ باشد، نه بینوای یتیم. خدای متعال با دلایل قاطع این شبهات را رد و حجت کوبنده اقامه کرده و کمر باطل و ناروا را شکسته است. بعد از آن، اوضاع و احوال بعضی از مشرکین را بیان کرده است که با حق آشنایی پیدا کرده و آن را پذیرفته‌اند

اما بعداً به عقب برگشتند؛ از جمله «عقبه بن ابی معیط» را یادآور شده است که مسلمان شد اما به سبب دوست بدبختش «ابی ابن خلف» مرتد شده و قرآن کریم او را «ظالم» نامید: **وَيَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ** (فرقان: ۲۷) و «دوستش شیطان نام گرفت» (صابونی، ۱۹۳۳/۲: ۳۵۴).

سوره، با بیان صفات بندگان خدای رحمان و اخلاق پسندیده‌ای که از جانب خدا به آنان عطا شده است، خاتمه یافته است. بندگانی که به سبب آن صفات ستوده، استحقاق پاداش بزرگ در بهشت را دارند. (فرقان: ۶۱- ۷۷)

کلمه «فرقان» به معنای فرق و تمایز است و اگر قرآن کریم را فرقان نامیدند از آن جهت بوده که آیاتش بین حق و باطل جدایی می‌اندازد یا از این جهت که آیاتش جدا جدا نازل شده است. راغب گفته که کلمه فرقان از کلمه فرق بلیغ‌تر است برای اینکه فرقان، فقط فرق نهادن بین حق و باطل به کار می‌رود مانند قنعان که فقط درباره‌ی مردی به کار می‌رود که دیگران به حکم او قناعت می‌کنند و کلمه فرقان مصدر نیست به خلاف فرق که هم مصدر است و هم در فرق بین حق و باطل و غیر از آن نیز به کار می‌رود (راغب، ۱۳۸۹: ۶۳۳).

۲-۲. بررسی سبکی سوره فرقان

۲-۲-۱. کاربرد واژگان در سوره فرقان

نوع واژگان مسلط بر متن را بیشتر واژگان رسمی تشکیل می‌دهد. این امر از آن جهت است که بیان جدی و قاطعانه‌ی خداوند در خصوص مسائل مبدأ و معاد و نبوت و مبارزه با شرک است. مواردی که در لایه‌ی واژگانی در سوره، مورد بررسی قرار گرفته است، عبارتند از:

۲-۲-۱-۱. واژه‌های متضاد

یکی از انواع بدیع، صنعت تضاد است که در آن دو معنای نقیض و متضاد و یا به منزله متضاد را با هم می‌آورند (ر. ک: العلوی، ۱۹۹۵: ۵۶۴). در آیه «وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا» (فرقان: ۳) دو واژه «ضراً و نفعاً» و «موتاً و حیاةً» به صورت ضد هم آورده شده‌اند. همچنین در آیه «لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا» (همان: ۱۴) کلمات «واحدا و كثيرا» با یکدیگر متضاد هستند و تأثیرگذاری متن را دو چندان کرده است و با کنار هم قرار دادن آن‌ها به زیبایی، مفهوم را به مخاطب منتقل می‌کند. همچنین در آیه ۵ بین کلمات «صبح و شام»، آیه ۶۲ کلمات (موت و حی، لیل و نهار)، و آیه ۳ کلمات ضرر و نفع (ضراً و نفعاً)، آیه ۶ کلمات آسمان و زمین (السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ)، آیه ۶۴ بین سجده و قیام (سُجَّداً وَ قِيَاماً) و آیه ۶۷ بین اسراف و تبذیر (بُسْرُفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا)، و غیره این مؤلفه، تکرار شده است.

۲-۲-۱-۲. واژه‌های مترادف

«تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ يَجْعَلُ لَكَ قُصُورًا» (همان: ۱۰). (زوال ناپذیر و بزرگ است خدائی که اگر بخواهد برای تو بهتر از این می‌دهد، باغ‌هایی که از زیر درختانش نهرها جاری باشد و (اگر بخواهد) برای تو قصرهایی مجلل قرار می‌دهد). ظرافت معنایی خاصی بین این دو واژه مشخص شده، سبب شده است که اگرچه این واژه‌ها به معنای «قرار می‌دهد» بیان شده‌اند، دارای صنعت مترادف باشند.

در آیه ۳۱ «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ وَ كَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًّا وَ نَصِيرًا» کلمات «هادياً و نصيراً» مترادف هستند.

در آیات مختلفی از سوره فرقان نمونه‌های زیادی از واژگان متضاد دیده می‌شود که بسامد آن‌ها نسبت به واژه‌های مترداف بیشتر است. از آنجایی که مضمون و محتوایی این سوره، درباره مسائلی از جمله مرگ و زندگی، شب و روز و غیره است که رابطه بین این واژه‌ها به صورت تضاد می‌باشد، این مهم به بارمعنایی واژگان و برجستگی معنا و همچنین زیبایی بافت کلام افزوده است.

۲-۲-۱-۳. واژگان انتزاعی و عینی

«واژگانی که بر عقاید، کیفیات، معانی و مفاهیم ذهنی دلالت دارند، انتزاعی‌اند و واژه‌هایی که بر اشیاء واقعی و محسوس دلالت دارند، عینی و حسی‌اند» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۶۳). در آیه ۱۹ سوره: «فَقَدْ كَذَّبْتُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا وَمَنْ يَظْلِمُ مِنْكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا»، (پس آن معبودان، شما مشرکان را در آنچه گوید تکذیب کردند (و در اثر آن به عذاب ما گرفتار شدید) پس نه شما توانید آن عذاب را برطرف گردانید و نه یاری خود توانید کرد؛ و هر کسی از شما بندگان (با شرک آوردن) ظلم و ستم نماید ما او را به عذابی بزرگ گرفتار می‌گردانیم). و همچنین آیه ۱۲: «إِذَا رَأَتْهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا»، (هنگامی که این آتش آنها را از دور می‌بیند، صدای وحشتناک و خشم‌آلود او را که با نفس زدن شدید همراه است می‌شنوند). واژگانی مانند «رای، سمع و نذقه» واژگان حسی و عینی‌اند و خداوند در این آیات، از شدت عذاب الهی و گمراهی خود آنان که انتخاب می‌کنند، خبر داده است و آنها را توصیف می‌نماید و طبیعی است که توصیف مشرکین با واژگان حسی و عینی همراه است تا با معطوف نمودن توجه مخاطب به امور حسی و قابل دسترس، او را در درک مفاهیم انتزاعی یاری نمایند. در آیه ۶۳ تا ۷۷ بحث جامعی درباره صفات ویژه بندگان خاص خدا یعنی «عباد الرحمن» مطرح می‌شود و سیزده صفت ویژه آنان از جمله: کسانی که با تواضع بر زمین راه می‌روند، کسانی که شب را با سجده

و نماز برای پروردگانشان به روز آورند، کسانی که چون خرج می‌کنند اسراف نکنند و بخل نوزند، کسانی که با خدای یکتا خدای دیگر نخوانند و کسانی که گواهی به ناحق ندهند و غیره. این اوصاف در حوزه واژگان انتزاعی جای می‌گیرند؛ زیرا این واژه‌ها بر مفاهیم ذهنی دلالت دارند و مربوط به امور حسّی نیستند.

۲-۳. سطح بلاغی

در سبک‌شناسی ادبی، مبحث بلاغی زبان بیش از دیگر سطوح در مطالعات سبکی تأثیر دارد؛ چرا که عناصر ادبی و بلاغی، نقش مهمی در ادبیت آثار و نیز پیدایی سبک فردی ایفا می‌کند. «ریشه‌های سبک‌شناسی، به علم بلاغت یا فنّ سخنوری بر می‌گردد که نوعی کاربرد هنرمندانه زبان در موقعیتی خاص و برای القای مفهومی خاص است» (کریمی، ۱۳۸۹: ۸۱).

در میان فنون بلاغت در قرآن به شیوه‌هایی بر می‌خوریم که در تصویرگری مفاهیم و مجسم نمودن معانی، نقشی شگرف و سحرآمیز ایفا می‌نماید. در اینجا به برخی از نمونه‌هایی بدیع‌شان اشاره می‌نماییم.

۲-۳-۱. تشبیه

در آیه ۲۳ سوره: «وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا» تشبیه وجود دارد. در این آیه، عمل و کردارشان، مشبه و هباء منثورا، مشبه‌به است. البته وجه شباهت در اینجا پوچ و ضعیف بودن است که گویی اصلاً به چشم نمی‌آید. در آیه «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا» (و خداوند می‌فرماید عمل کفار مانند گرد و غبار است) (فرقان: ۴۷). در این آیه شب از جهت پوشاندگی به لباس تشبیه شده است. در ادامه، شب وسیله‌ای برای آسایش و روز

برای حیات و زندگی است. علاوه بر این در آیه ۱۲ و ۴۴ می‌توان به نمونه‌های دیگر از تشبیه دست یافت.

۲-۳-۲. استعاره

استعاره در حقیقت تشبیهی کوتاه است که در آن لفظ در غیر معنای حقیقی‌اش به کار می‌رود، به جهت پیوند و مشابهتی که بین معنای حقیقی و معنای مجازی آن است و به همراه خود، قرینه‌ای دارد که نشان می‌دهد، این لفظ معنایی غیر از معنای حقیقی‌اش می‌دهد. (هاشمی، ۱۳۷۹: ۲۷)

استعاره را به اعتبار ذکر مشبه و مشبه‌به، به دو قسم تقسیم‌بندی کرده‌اند:

۱- استعاره مصرحه: آن است که «فقط مشبه‌به در لفظ آمده و منظور گوینده

مشبه باشد.» (همای، ۱۳۷۷: ۱۶۴)

استعاره و به صورت کلی استعاره مصرحه نمونه‌های اندکی را در سوره فرقان در بردارد. از جمله آن‌ها، مورد ذیل است: «تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا» (فرقان: ۶۱)، (جاودان و پر برکت است آن خدائی که در آسمان‌ها برج‌هایی قرار داد، و در میان آن چراغ روشن و ماه نور بخشی آفرید). در این آیه ستارگان به برج‌ها و خورشید به چراغ مانند شده است. همانطور که مشخص است مشبه (ستارگان و خورشید) حذف و مشبه‌به (بروج و سراج) ذکر شده است؛ بنابراین با توجه به ذکر مشبه‌به، استعاره مصرحه وجود دارد. تعبیری چون سما و قمر متناسب با مشبه است و استعاره را به ذهن نزدیک می‌کند.

۲. استعاره مکنیه: «آن است که تشبیه در دل گوینده مستور و مضمحل باشد و

مشبه را ذکر کرده، مشبه‌به را در لفظ نیاورند، اما از لوازم مشبه‌به قرینه‌ای در لفظ

بیاورند که دلیل بر مشبه‌به باشد. (همای، ۱۳۷۷: ۱۶۵)

در آیه ۱۹ سوره: «فَقَدْ كَذَّبْتُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا وَمَنْ يَظْلِمُ مِنْكُمْ نُذْفُهُ عَذَابًا كَبِيرًا». (خداوند به آنها می‌گوید ببینید) این معبودان شما، در آنچه می‌گویید تکذیب کردند. اکنون قدرت ندارید عذاب الهی را بر طرف سازید یا از کسی یاری بطلبید و هر کس از شما ظلم و ستم کند عذاب شدیدی به او می‌چشانیم). در این آیه خداوند «عذاب» را به چیزی تشبیه کرده است که قابل چشاندن است. بنابراین مشبه ذکر شده و مشبه‌به محذوف است و از لوازم مشبه‌به «چشاندن» است. مخاطب با چنین لازمه و قرینه‌ای پی به استعاره می‌برد.

همچنین در آیه «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا» (همان: ۴۷). استعاره مکنیه به کار رفته در این آیه، شب است که مشبه می‌باشد و به انسان غیرمذکور مانند شده است که از نشانه‌های آن کسی است که جامه و لباس بر تن دارد.

همچنین انواع استعاره‌ها در آیات ۱۲، ۱۳، ۲۳ و ۲۴ وجود دارد.

۲-۳-۳. کنایه

از دیگر عناصر تصویرساز در این سوره، کنایه است. کنایه در لغت به معنای «ترک تصریح» است و در اصطلاح «کنایه، آوردن صورت ملموس یک معنی است به شرط آنکه ابتدا این صورت به ذهن برسد، سپس ذهن را به معنی اصلی خود متوجه سازد» (فاضلی، ۱۳۶۵: ۳۳۷) در قرآن کریم و به‌ویژه این سوره، جهت زیبایی بخشی به کلام از این آرایه استفاده شده است.

از جمله کنایات به کار رفته در این سوره می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:
 «وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا» (فرقان: ۲۷) (و به خاطر بیاور روزی را که ظالم دست خویش را از شدت حسرت به دندان

می‌گزد و می‌گوید: ای کاش با رسول خدا راهی برگزیده بودم). جمله مشخص شده در این آیه، کنایه از حسرت و تاسف خوردن است و شاید دست به دندان گزیدن به این دلیل باشد که چنین افرادی به گذشته خود می‌نگرند و خود را مقصر می‌دانند و تصمیم می‌گیرند از خود انتقام بگیرند.

«وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا» (همان: ۷۳)، (آنها کسانی هستند که هرگاه آیات پروردگارشان به آنها گوشزد شود، کر و کور روی آن نمی‌افتند) که در این آیه منظور از (صم و عمیان) فرو افتادن و تسلیم شدن در برابر آیات و نشانه‌های خداوندیست که در اینجا نیز کاربرد کنایی دارد.

در آیه ۷۴: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِمُمْتَقِينَ إِمَامًا» (آنها کسانی هستند که می‌گویند پروردگارا از همسران و فرزندان ما، مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را پیشوای پرهیزگاران بنما!) که از زبان مومنان به صورت دعایی بیان شده است عبارت مشخص شده، کنایه از صفتی است که به واسطه آن به صفت دیگر که همانا سرور، کامیابی و خوشبختی است، رهنمون می‌شویم.

در آیه ۵۹ سوره: «الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا». عبارت «اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ» بر عرش تکیه زد، کنایه از اقتدار خدا، تسلط و سلطه اوست. در آیات دیگر از جمله آیه ۷ (يَأْكُلُ الطَّعَامَ) کنایه از رفع حاجت و «يَمشِي فِي الْأَسْوَاقِ» کنایه از طلب معاش است، در آیه ۶۳ کلمه «هونا» کنایه از تواضع و فروتنی و «قالوا سلاما» کنایه از مقابله معقول و بزرگ‌منشانه است. که نمونه‌های این آرایه ادبی در بعضی دیگر از آیات این سوره قرآنی را می‌توان یافت.

تمثیل یکی از شگردهایی برجسته بلاغی در قرآن و به‌خصوص سوره فرقان است. تمثیل در لغت به معنای مثل آوردن و تشبیه کردن چیزی به چیز دیگر دانسته‌اند. به اعتقاد دهخدا، «علاقه شباهت چون میان دو جمله باشد آن را تمثیل نامند.» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۹۷۰، ذیل تمثیل)

در آیه ۳۸ سوره فرقان آمده است: «وَعَادًا وَثَمُودَ وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا»، (همچنین) قوم عاد و ثمود و اصحاب الرس (گروهی که درخت صنوبر را می‌پرستیدند) و اقوام بسیار دیگری را که در این میان بودند هلاک کردیم». همچنین در آیه ۳۹: «وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا» (و برای هر یک از آنها مثل‌ها زدیم و (چون سودی نداد) هر یک از آنها را در هم شکستیم و هلاک کردیم. و: «انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا» (فرقان: ۹) (ببین چگونه برای تو مثل‌ها زدند و گمراه شدند، آن‌گونه که قدرت پیدا کردن راه را). گفتنی است که در این سوره، خداوند با اهداف هدایت و روشنگری، تربیتی، پندگیری و پندآموزی و غیره از اقوام رس، ثمود، عاد و نوح نام می‌برد و مثال‌هایی که ذکر شد، جنبه تمثیلی دارند.

۲-۴. سطح نحوی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ساختار نحوی یک متن، یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها و لایه‌های تعیین سبک یک متن است و در خوانش متن اهمیت بسیاری دارد؛ چرا که بررسی این سطح کمک می‌کند تا سبک یک متن از متن دیگر بازشناخته شود. بنابراین کاربرد نحو در برابر صرف قرار دارد و در تعریف آن آمده است: «بررسی روابط میان عناصر ساختمان جمله و قواعد حاکم بر نظم و توالی جمله‌ها می‌باشد» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۳۹۲). حوزه نحوی، یکی از بخش‌های اساسی پژوهش زبان‌شناختی است که تنها در سه یا چهار دهه اخیر از سوی زبان‌شناسان مورد توجه قرار گرفته است (غلامعلی زاده، ۱۳۷۴: ۳).

«دانشی است، مربوط به قوانین پیوند کلمات در داخل ترکیب‌ها، قوانین پیوند کلمات در داخل جملات ساده و قوانین پیوند جملات ساده به منظور تشکیل واحدی بزرگ‌تر، یعنی جملات مرکب» (شفایی، ۱۳۶۷: ۷).

در این بخش، پژوهشگر به بررسی عناوینی از این دست می‌پردازد: طول جمله‌ها، پیوندجمله‌ها (همپایگی، وابستگی) و چیدمان نشاندار و غیره.

۲-۴-۱. تقدیم و تأخیر

یکی از عناصر نحوی بارز در سوره مبارکه فرقان که پدیده سبکی را به وجود آورده است، بحث تقدیم و تأخیر است. تقدیم و تأخیر، جا به جا کردن یک لفظ از جایگاه طبیعی آن در کلام اطلاق می‌شود، به گونه‌ای که آنچه باید مؤخر شود، مقدم می‌شود و آنچه باید مقدم باشد، مؤخر می‌شود. بدون شک در نحوه قرارگیری واژگان در آیات قرآن، اهداف و اغراضی پنهان است؛ اهدافی مانند: اظهار سرور و شادمانی، تشویق به متأخر، تلذذ، تبرک، افاده حصر و اختصاص و افتخار از جمله مواردی است که در انگیزه‌های تقدیم و تأخیر بیان شده است. (مسیری، ۲۰۰۵: ۵۰) «سیوطی معتقد است که تقدیم و تأخیر در قرآن کریم دو جنبه دارد: آیاتی که درک معنای آن‌ها ظاهراً دشوار است؛ اما زمانی که مقوله تقدیم و تأخر در آن‌ها بررسی می‌شود، معنای آن‌ها روشن و واضح می‌شود. آیاتی که درک معنای آن‌ها به حسب ظاهر دشوار نیست؛ اما دلایلی وجود دارد که اجزایی از این آیات بر اجزای دیگر مقدم و یا مؤخر می‌شود. به نظر می‌رسد بیشتر تقدیم‌هایی که در آیات سوره فرقان وجود دارد جنبه دو تقسیم‌بندی سیوطی را شامل می‌شود» (یاری و کامکار مقدم، ۱۳۹۶: ۶). «بحث تقدیم و تأخیر که در علم معانی بررسی می‌شود، اهمیت ویژه‌ای دارد. اهمیت این امر از این رو است که عدول از هنجارهایی که تابع قواعد زبان است، نوعی تلنگر هنری است که خالق اثر آن را به خواننده وارد می‌کند» (عبدالملک، ۱۹۹۴: ۲۵۷)

از جمله تقدیم‌هایی که به نظر می‌رسد، به دلیل رعایت موسیقی آیات به وجود آمده باشد، تقدیم در آیه «وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئاً وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا» (فرقان: ۳). در این آیه مبتدا مقدم شده و خبر به صورت محذوف آمده است.

«وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا» (همان: ۴). در این آیه «هذا» مبتدا و «افک» خبر است که در اینجا مبتدا مقدم شده است.

با دقت در آیاتی که جزئی از جمله بر جزء دیگر مقدم شده است، می‌فهمیم که تقدیم می‌تواند داری جنبه موسیقایی یا معنایی باشد و گاهی ممکن است که تقدیم هر دو جنبه را دارا باشد. «الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ قَدْرَهُ تَقْدِيرًا» (همان: ۲) با این همه تقدیم یک جزء جمله بر جزء دیگر، محاسن زیباشناسی دیگری نیز دارد؛ مانند حصر یا تأثیر بخش مقدم شده که مسلماً جنبه موسیقایی تقدیم بر جنبه‌های معنایی آن اولویت دارد.

از جمله موارد تقدیم که به دلیل رعایت موسیقی آیات شکل گرفته می‌توان به تقدیم در آیه «وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئاً وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَ لَا نَفْعًا وَ لَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَ لَا حَيَاةً وَ لَا نُشُورًا» (همان: ۳) در این آیه مبتدا مقدم شده و خبر به صورت محذوف آمده است

«قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا» (همان: ۷۷) در این عبارت کلمه مشخص شده، مبتدا مقدم و مرفوع است، خبر به صورت محذوف آمده است.

همچنین می‌توان در آیات: ۷۵، ۶۳، ۶۰، ۵۳، ۵۴، ۴۷، ۴۸، ۲۶، ۱۷، ۱۹، ۱۶، ۲،

۳، ۴، نمونه‌های از این مبحث را یافت.

۲-۴-۲. حذف

یکی از اسلوب‌های پر کاربرد بلاغی قرآن، حذف در ساختار آیات است. این شیوه ممتاز بیانی، در منسجم کردن عناصر جمله نقش مهمی دارد و به نوعی انحراف از شکل طبیعی سخن است. از جمله ظرافت‌های بلاغی این اسلوب، می‌توان به تفخیم و تعظیم، اختصار و تخفیف اشاره کرد. (زرکشی، ۱۴۰۱: ۱۲۰) از جمله این محذوفات، حذف حروف است. در قرآن کریم نمونه‌های زیادی از حروف نفی (لن و لا)، حروف شرط، حروف اضافه (علی، فی و لام) و حرف تعریف (الف و لام) وجود دارد که تغییر سبک در قرآن کریم بر اساس حذف یا وقوع این عناصر پیونددهنده، روی می‌دهد.

۲-۴-۲-۱. حذف مبتدا

از جمله مواردی که مبتدا محذوف است می‌توان به عبارات زیر اشاره کرد. «وَقَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمَلَّى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا» (فرقان: ۵) در این عبارت، در محور ترکیب، مبتدا (که همان قرآن کریم است) حذف شده است و سبب زیبایی کلام شده است. پس از چهار آیه که تحلیل‌های انحرافی و بهانه‌های واهی مشرکان مطرح بود. این آیه هم آمده تا بگوید در واقع آن‌ها می‌خواستند از این طریق پیغمبر را متهم کنند که باسواد است و عمداً خود را درس‌نخوانده معرفی می‌کند. «الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا» (همان: ۵۹). مبتدا به علت ذکر در جمله ما قبل و برای عدم تکرار و افزایش زیبایی عبارت ذکر نشده است.

۲-۴-۲-۲. حذف نواسخ و اسم آن‌ها

«قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا» (همان: ۶).
در این آیه خبر «ان و اسم کان» به صورت محذوف آمده است تا کلام را از حالت تکرار حفظ کند.

«وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا» (همان: ۷). در این آیه اسم کان «هو» به صورت محذوف آمده است تا از زیاده گویی جلوگیری کند سبب زیبایی کلام شود.

۲-۴-۳. فعل مجهول به جای فعل معلوم

یکی دیگر از جنبه‌های سبک‌شناسی به کاربردن فعل مجهول به جای فعل معلوم است. در این سوره از این جنبه به وفور استفاده شده است؛ مثلاً در آیه «وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا» (همان: ۳)، «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (همان: ۶۷)، «الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا» (همان: ۳۴)، «أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُقُونَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا» (همان: ۷۵)

افعال به صورت مجهول آورده شده است. فاعل حذف شده و مفعول به جای آن قرار گرفته است.

همچنین کانون بحث سوره که در مورد مشرکان است، فاعل این جملات ذکر نشده است و جملات به صورت مجهول آمده است تا اهمیت موضوع روشن تر شود.

۲-۴-۴. التفات

از دیگر ظرافت‌های ادبی موجود در سوره فرقان که زیبایی خاصی به سوره می‌بخشد، اسلوب التفات است.

«در کتب بلاغی، التفات از فنون خروج از مقتضای ظاهر به شمار می‌آید و مقصود از آن، تغییر زاویه سخن و انتقال آن در میان غیبت، تکلم و خطاب است تا خواننده از یکنواختی ملول نگردد و با از هم گسستن روند معمولی سخن، تحرک لازم در سخن به وجود آید» (هاشمی، ۱۳۷۹: ۲۰۷). به عنوان مثال: تغییر رویکرد افعال از مضارع به ماضی را در آیات این سوره شاهد هستیم: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَ زُورًا (فرقان: ۵) وَ قَالُوا أَطِيرٌ الْأَوَّلِينَ اُكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا (همان: ۴) قُلْ أَنْ لَهُ الَّذِي عَلَّمَ السَّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا (همان: ۳) وَ قَالُوا مَا لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَ يَمشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا (همان: ۷).

انتقال از فعل مضارع به ماضی ضمن زیبا شدن روند بیان، هدفی دیگر نیز داشته است؛ یعنی این آیه اخبار و حکایت گفتار حال مشرکین در دنیا است. بلاغت یا زیبایی سبک التفات در این است که طبق قول زمخشری کلام هنگامی که از یک سبک و صیغه دیگری منتقل می‌شود، توجه خواننده را جلب می‌کند و او را آگاه می‌کند و این امر نسبت به یکنواخت بودن متن زیباتر است. (ر. ک: قزوینی، ۲۰۰۳: ۶۷)

۲-۴-۵. طول جمله

بلندترین واحد سازمانی در نحو جمله است و اگر هر ساخت نحوی شکلی از یک واحد اندیشه باشد، می‌توان از رهگذر بررسی بلندی و کوتاهی جمله‌ها، ساخت اندیشه و سبک و حالات روحی گوینده را تحلیل کرد.

نمونه: بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا (فرقان/ ۱۱)، «إِذَا رَأَتْهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيظًا وَ زَفِيرًا» (همان: ۱۲)، «وَإِذَا أَلْفَا مِنْهَا مَكَانًا صَبَقًا مُقَرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا» (همان: ۱۳)، «لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا» (همان: ۱۴).

با بررسی آیات فوق، به فراوانی جمله‌های کوتاه و منقطع در سخن خداوند بزرگ پی می‌بریم که باعث شتاب سبک، سرعت اندیشه و هیجان‌انگیزی سبک ایشان گشته است. این ویژگی سبکی که نوعی حرکت و پویایی به متن بخشیده است، سبب می‌شود اندیشه و احساس نویسنده به خواننده القا شود. این نوع جملات، کاملاً مناسب با شرایط آیات است و هشداری بر اینکه زمان کم است. همچنین ضرورت شتاب در آماده شدن آخرت را القا می‌کند؛ بنابراین، با کوتاهی جملات، خواننده از اهمیت سخنان خداوند آگاه می‌شود و از طرفی، موجب آسانی در فهم و درک خواننده می‌شود. در زبان خداوند در این آیات یکی از عوامل سبک‌ساز، کوتاهی جملات و مقطع بودن آن است. البته این سبک در کل آیات سوره، ثابت نیست و بر حسب شرایط متغیر است.

برای مثال آیاتی که دارای جملات طولانی است: «وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا» (همان: ۶۸)، «وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا» (همان: ۳).

همچنین در آیه‌های: ۲۰، ۲۱، ۱۹، ۳، ۱۴ و ۱۲ می‌توان این مورد را یافت.

۲-۴-۶. استفهام

«بزارهای استفهام به سه قسمت تقسیم می‌شوند که أحمد الهاشمی در کتاب جواهرالبلاغه به آن اشاره کرده است.

- آنچه که به واسطه آن تصوّر و گاهی تصدیق مورد درخواست قرار می‌گیرد و آن همزه است.

- آنچه که به واسطه آن فقط تصدیق طلب می‌شود. مانند: هل.

- آنچه که به واسطه آن فقط تصور طلب می‌شود.

آغاز شدن سوره‌ای با استفهام «هل» که طبق فرمایش علامه طباطبایی برای تثبیت مطلب است و در نتیجه معنا را به طور سر بسته اثبات می‌کند» (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۲).

ساختارهای پرسشی در آیات قرآن با لطائف ادبی و بلاغی آمیخته شده‌اند. اهدافی مانند انکار، شگفتی، تعظیم، سرزنش و غیره از جمله معانی این گونه ساختارها هستند. استفهام اداتی دارد که به چندین نمونه از آن در این سوره اشاره می‌شود:

۱- «أ» همزه استفهام از جمله مواردی که در این سوره کاربرد بیشتری دارد. به چند نمونه از آن اشاره می‌شود:

قُلْ أَذْكَاءَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا (فرقان: ۱۵)
وَلَقَدْ أَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمْطَرْنَا مَطَرًا سَوًّا أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا بَلْ كَانُوا لَا يَرَءُونَ
نُشُورًا (همان: ۴۰)

۲- کیف

«انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا» (همان: ۹).

۳- أو

«وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتْوًا كَبِيرًا» (همان: ۲۱).

«أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» (همان: ۴۴).

۴- ام

«أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» (همان: ۴۴).

۲-۴-۷. چیدمان نشاندار

مفهوم نشان‌داری از یونان باستان در تحلیل‌های زبانی به صورت تلویحی کاربرد داشته است. سنت توجه به جملات خبری، معلوم، مثبت و بند پایه، قبل از جملات قرینه آن‌ها، یعنی جملات امری، سؤالی، مجهول، منفی و بندهای پیرو، خود شاهدهی براین مدعاست.

«کاربرد نوین اصطلاح نشان‌داری را در زبان‌شناسی، مدیون زبان‌شناسان مکتب پراگ، به ویژه تروبتسکوی و یاکوبسن هستیم. تروبتسکوی هنگام مطالعه واج‌های هم‌بسته اصطلاحات نشان‌دار / بی‌نشان را به کار برد. واج‌های هم‌بسته مجموعه‌ای (معمولاً دو عضوی) از واج‌ها هستند که عضوهای آن در یک مشخصه ممیز با یکدیگر تفاوت دارند؛ بدین ترتیب که یک عضو، یک مشخصه ممیز را داراست و عضو دیگر فاقد آن است» (غلامی، ۱۳۸۹: ۲۰۹).

از ویژگی‌های سبک نحوی آیات سوره فرقان، کاربرد جملات نشاندار به صورت تقدیم و تأخیر، استفاده مکرر از جملات فعلیه، استعاره‌های پی‌درپی و کاربرد فراوان قیده‌های تأکید است.

به نظر می‌رسد که هدف خداوند رحیم در به کار بردن این جملات، تأکید بر شدت اهمیت مفاهیم مورد نظر بوده است؛ به این صورت که ایشان، جایگاه جملات نشاندار را برتری داده‌اند و با کاربرد جملات به صورت نشاندار، موجب برجسته نمودن مسائل توحید و نبوت و معاد در ذهن مخاطب شده‌اند.

«لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُولًا» (فرقان: ۱۶)، تقدیم جار و مجرور بر مبتدا و خبر نشان از تأکید بر توجه به فراوانی نعمت در بهشت جاویدان است.

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًّا وَنَصِيرًا» (همان: ۳۱)،

تقدیم جار و مجرور بر فعل و فاعل و در دومی تقدیم جار و مجرور بر مفعول به در این آیه نشاندار، خداوند متعال بر این که خود هادی و یاور پیامبر (ص) است.

آیات سوره فرقان، با کاربرد حجم وسیعی از افعال متعدی و جمله‌های معلوم صدای فعالی دارد، بنابراین خداوند متعال با کاربرد صدای فعال، میزان اثرپذیری در مخاطب را افزایش داده است و سبکی پویا را خلق نموده است که به مواردی از آن اشاره می‌شود: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (همان: ۱)، «الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمَلِكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا» (همان: ۲). در این زمینه نموده‌های این مؤلفه در بیشتر آیات این سوره دیده می‌شود.

۲-۴-۸. ساخت‌های همپایه

سازه‌هایی که خداوند در ساخت‌های همپایه به کار برده است، غالباً از یک مقوله دستوری است و از لحاظ طولی در محور همنشینی، همسان هستند: «وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لِيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا» (همان: ۲۰). در عبارت‌هایی که خداوند می‌خواهد دو عمل را قرین یکدیگر سازد یا عملی را علت یا مقدمه یا نتیجه عمل دیگر قرار دهد، سازه‌های هر ساخت را یک جمله تشکیل می‌دهد. همپایگی در این عبارات، یکسان نیست گاهی در جملات شرطی رخ می‌دهد. گاهی در جملات اسمیه و غیره. در این سوره در ساختار جملات شرطی، اسمیه و جملات فعلیه، ساخت‌های همپایه وجود دارد. به مواردی از آنها اشاره می‌شود:

جملات شرطی: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا» (همان: ۴۹)، «قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا» (همان: ۶)

جملات فعلیه: «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (همان: ۱)، «وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا» (همان: ۳)

جمله اسمیه: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا» (همان: ۶۵)، «إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا» (همان: ۶۶)، «الَّذِينَ يُحْشِرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا» (همان: ۳۴)

۳. نتیجه‌گیری

یکی از راه‌های اثبات اعجاز در فصاحت و بلاغت قرآن کریم، بررسی و در نتیجه فهم سطح آوایی در سبک‌شناسی قرآن کریم است. توجه به اعجاز قرآن از زاویه آوایی، حاکی از این است که میان زیبایی و نظم و آهنگ لفظی قرآن با معانی و مفاهیم بلند آن ارتباط تنگاتنگ وجود دارد و متغیرهای هجایی و آوایی با متغیرهای معنایی همراه و هماهنگ است. بنابراین در این جستار، جلوه‌های سبک‌شناسی سوره فرقان در سه سطح واژگانی، بلاغی و نحوی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت که نتایج حاصل از آن به شرح زیر است:

-توجه به اعجاز قرآن از زاویه آوایی حاکی از این است که میان زیبایی و نظم و آهنگ لفظی قرآن با معانی و مفاهیم بلند آن ارتباط تنگاتنگ وجود دارد و متغیرهای هجایی و آوایی با متغیرهای معنایی همراه و هماهنگ است.

- شناخت ویژگی‌های سبکی سوره، در ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با مبانی عقیدتی آن است. مانند اینکه کارکرد عناصر تأکیدی چون «أما» و «إنّ» و اسلوب قسم، که در لایه نحوی مطرح شد، گویای دلالت‌های ایدئولوژیک در بافت روایی سوره است.

- در سوره فرقان آیاتی که دارای سیاق معنایی واحدی هستند، سیاق آوایی واحدی نیز دارند. همچنین آواها، نشانه‌های مفهومی و اعتباری از معنا هستند و به عنوان قرینه‌های لفظی در فهم مراد جدی گوینده نقش مهمی دارند.

- لایه ایدئولوژیک از جمله مبانی مؤثر در تعیین شاکله ساختاری سبک‌شناسی لایه‌ای است بنابراین عامل ایدئولوژیک در نحو تأثیر می‌گذارد و ساختمان جمله‌ها، تحت تأثیر باورها دگرگون و نشان‌دار می‌شوند.

- در این سوره از تصویرپردازی جهت تثبیت معانی مورد نظر در ذهن شنونده یا خواننده بهره برده شده است و هر دو نوع تصویر مجازی و حقیقی، در لایه بلاغی، نظیر تشبیه و استعاره و کنایه وجود دارد.

- در سوره فرقان، برای ملموس‌تر شدن مفاهیم ذهنی، از واژگان حسی استفاده شده است تا مخاطب با سهولت بیشتری با مفاهیم ارتباط برقرار کند.

- انتخاب کلمات و واژگان به کار رفته در جملات و عبارات سوره فرقان به گونه‌ای هدفمند است که هر واژه با ساختار صرفی‌اش در جایگاه خود در جمله قرار گرفته است.

- واژگان مترادف و متضاد که در این سوره به کار رفته‌اند همگی دارای پیام ویژه‌ای هستند. همچنین حروف، واژگان و عبارات به صورت منسجم و سازمان یافته قرار گرفته‌اند تا معنایی را که متن به دنبال آن است، ادا کنند.

- کلمات در سوره فرقان دارای فصاحت و عاری از عیوب بلاغی است و معانی کلمات با یکدیگر، هماهنگ و از لحاظ مفهومی نیز دارای بافتی منسجم است.

-الفاظی که قرآن برای بیان مقاصد خود گزینش کرده، از لحاظ زیبایی آهنگ در بهترین شکل ممکن قرار دارند؛ به طوری که نمی‌توان هیچ لفظی را با واژه قریب‌المعنی یا مترادفش جایگزین کرد..

- ترکیب واژگان در قرآن کریم براساس لطافت‌های موسیقایی و معنوی آنها صورت گرفته است و حتی در تقدیم و تأخیر الفاظ قرآن حکمت‌های فراوانی نهفته است. و میان موسیقی الفاظ و معانی آنها هماهنگی وجود دارد.

- در سوره فرقان در سطوح مختلف جهت تشبیت معانی مورد نظر در ذهن خواننده و شنونده بهره برده شده است که باعث تحت تأثیر قرار گرفتن مخاطب می‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتاب‌شناسی

کتاب‌ها

- ۱) قرآن کریم. ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران، بنیاد نشر قرآن، ۱۳۷۷.
- ۲) ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، *لسان‌العرب*، بیروت: دار صادر.
- ۳) بهار، محمد تقی (۱۳۴۹)، *سبک‌شناسی*، تهران: امیرکبیر.
- ۴) راغب اصفهانی (۱۳۹۸)، *مفردات الفاظ قرآن*، تلخیص و ترجمه جهانگیر ولدبیگی، سنندج: آراس.
- ۵) زرکشی، محمد بن بهادر (۱۴۰۱)، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالمعرفه.
- ۶) دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، ج ۵، تهران: دانشگاه تهران.
- ۷) شفائی، احمد (۱۳۶۷)، *مبانی علمی دستور زبان فارسی*، تهران: نوین.
- ۸) صابونی، محمد علی (۱۹۹۳)، *صفوه التفاسیر*، جلد ۲، بیروت، دارالاحیاء.
- ۹) طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۰)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، محمد باقر موسوی همدانی، قم، دارالعلم.
- ۱۰) فتوحی رودمعجنی، محمود (۱۳۹۰)، *سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*، تهران: سخن.
- ۱۱) فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، *شیوه‌های بیان قرآن کریم*، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۱۲) قطب، سید (۲۰۰۸)، *فی ظلال القرآن*، جلد ۵، چاپ ۳۷، القاهره: دارالشروق.

- ۱۳) قزوینی، محمد بن عبدالرحمن (۲۰۰۳)، *الایضاح فی علوم البلاغه*، ترجمه: حسین سیدی، مصر: دارالکتاب.
- ۱۴) مسیری، منیر محمود (۲۰۰۵)، *دلالات التقدیم و التأخیر فی القرآن الکریم در اسه تحلیلیه*، ترجمه: مرتضی ساز جینی، قاهر، مکتبه وهبه.
- ۱۵) نصیری، مهدی (۱۳۸۸)، *سبک‌شناسی شعر*، تهران: امیرصدرا
- ۱۶) العلوی، الإمام یحیی بن حمزه بن علی بن ابراهیم (۱۹۹۵)، *الطراز*، مراجعه و ضبط و تحقیق: محمد عبدالسلام شاهین، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ۱۷) الکواز، محمد کریم (۱۳۸۶)، *سبک‌شناسی اعجاز بلاغی قرآن کریم*، ترجمه: سید حسین سیدی، تهران: سخن.
- ۱۸) هاشمی، احمد (۱۳۷۹)، *جواهر البلاغه فی المعانی و البیان و البدیع*، ترجمه: حسن عرفان، تهران: الهام.
- ۱۹) همایی، جلال الدین (۱۳۷۷)، *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، تهران: هما.

مقاله‌ها

- ۱) آزادی، پرویز و سهیلا نیکخواه (۱۳۹۷)، «سبک‌شناسی سوره واقعه بر اساس تحلیل زبانی»، پژوهش‌های زبانشناختی قرآن، دوره ۷، شماره ۱، صص ۶۵-۸۶.
- ۲) غلامی، محبوبه (۱۳۸۹)، «شاننداری رده شناختی در زبان فارسی»، ویژه‌نامه فرهنگستان، شماره ۶، صص ۲۰۸-۲۳۶
- ۳) کریمی، مریم (۱۳۸۹)، «هبانی سبک‌شناسی»، مجله کتاب ماه ادبیات، شماره ۴۷، صص ۸۰-۸۵

- ۴) یاری اصطهباناتی، علی اصغر و کامکار مقدم، حمیده (۱۳۹۶)، «بررسی سبک‌شناسی نحوی سوره انسان»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۱۹-۱۳۸.

